

## بررسی و معرفی پیکرک‌های انسانی اشکانی موجود در موزه آثار باستانی «لایدن» هلند

سارا ذوالفقاری

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی گرایش تاریخی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران  
sarazolfaghari\_persia@yahoo.com

بهمن فیروزمندی شیره‌جینی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰  
(از ص ۶۷ تا ۷۸)

### چکیده

در پی بازدید از موزه‌ی آثار باستانی شهر «لایدن» در «هلند» که در بخش خاور نزدیک، قسمت ایران، درون یک ویترین کوچک، پیکرک‌های اشکانی جلب توجه می‌کنند. بنابراین نگارنده بر آن شد تا گزارش و معرفی کوتاهی از این آثار پیکرک‌های اشکانی جالبی، جلب نظر کرد، تهیه گردد. در این پژوهش ۱۸ پیکرک انسانی اشکانی (۵ عدد مرد و ۱۳ عدد زن) در ۶ گروه، شامل: نوازندگان، مادر و کودک، ایزد بانوان برهنه، بانوی لمیده، نیم‌تنه‌ها، جنگجو با سپر، معرفی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بیشتر این پیکرک‌ها سفالی و از مناطقی چون ایران (شوش)، سلوکیه، آشور و ترکیه به‌دست آمده‌اند. وجود این حجم زیاد از پیکرک زنان مباحث مختلفی را پراکنجسته است که مهم‌ترین آن‌ها مربوط به مقدس بودن پیکرک‌ها و احتمالاً منسوب بودن آن‌ها به الهه آناهیتا می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که این آثار به سبک‌های مختلف از واقع‌گرا تا انتزاعی و ساده ساخته شده و تعدادی نیز، در حدفاصل این دو گونه قرار دارند. پیکرک‌های سفالی یا سنگی (مرمری) با لایه‌ای از رنگ پوشانده شده و دست‌ها آزادانه با اتصال ریسمانی به بدن در حال حرکت بوده‌اند. در پرداخت تعدادی از آن‌ها سادگی، خامی و عدم توجه کافی به سر، دست یا پاها دیده می‌شود. این پیکرک‌ها، گاهی با لباس و گاهی برهنه هستند. نکته بارز و قابل توجه، وجود سازهای موسیقی بادی در بین آن‌هاست. با مقایسه این آثار با نمونه‌های مشابه دیگر، می‌توان دریافت که نمایش زنان در حال نواختن این نوع ساز به احتمال زیاد، تنها در طول دوره اشکانی و سپس ساسانی مورد توجه قرار گرفته است. هنوز به‌درستی، نمی‌توان گفت که کاربرد این نوع پیکرک‌ها چه بوده است. آیا ساخت این نوع پیکرک‌ها صرفاً جهت اهداء آن‌ها به معابد، به‌عنوان نذورات بوده یا هنرمند و سازنده آن صرفاً برای سرگرمی و خلق اثر هنری و تنها به‌عنوان اشیایی تزئینی به ساخت آن‌ها مبادرت ورزیده است؛ امری که تاکنون به درستی روشن نشده است.

**کلیدواژگان:** دوره اشکانی، موزه لایدن، پیکرک، نوازندگان سفالین.

## مقدمه

یکی از آثار مهمی که می‌توان از آن‌ها در شناسایی فرهنگ و تمدن دوره پارتنی بهره گرفت، پیکرک‌هایی هستند که از کاوش‌های باستان‌شناسی پدیدار و در موزه‌های سرتاسر جهان نگه‌داری می‌شوند. هنر پارت در برخی از پژوهش‌ها (Curtis, 2000; Amiet, 2001; Mackay, 1942; Colledge, 1976; Ghirshman, 1963, 1964, 1968, 1972; Downy, 1982) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است؛ اما در بسیاری از موزه‌ها، هنوز آثاری از دوره پارتنی موجود است که هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. پژوهش حاضر حاصل بررسی و تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی است که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد بر روی یافته‌ها و آثار دوره پارتنی به انجام رسیده (ذوالفقاری، ۱۳۹۱) و سعی شده تعدادی از این یافته‌ها که در خارج از کشور شناسایی گردیده، مورد بررسی قرار گیرند. در سال ۱۳۹۰، طی بازدید از موزه لایدن در راستای پایان‌نامه پژوهشی، آثار شاخصی از دوره پارتنی در یک مجموعه برای مدت کوتاهی به نمایش گذاشته شده بود. این آثار شامل ۱۸ پیکرک انسانی (زن و مرد) می‌باشند که هیچ‌کدام از آن‌ها تاکنون منتشر نگردیده و تمام پیکرک‌های این موزه کاملاً ناشناخته‌اند. می‌توان گفت که کم‌ترین پژوهشی در مورد این آثار صورت گرفته و علت اصلی آن وضعیت پراکنده آن‌ها است. این پژوهش، علاوه بر معرفی و تحلیل این پیکرک‌ها جهت شناخت هر چه بیش‌تر آثار این دوره، می‌تواند پیشنهادی برای به کارگیری این آثار در بازشناختی و تحلیل پیکرک‌های دوره پارتنی باشد. هم‌چنین علاوه بر حل برخی مجهولات، روزهایی را نیز، بر روی پژوهشگران می‌گشاید؛ چراکه این آثار، می‌توانند جواب‌گوی پرسش‌های بی‌شمار و جنبه‌های خاصی از هنر پارتنی در زمینه‌های گوناگون، از جمله فرهنگ، اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی، نقش زنان در جامعه و تغییر و تحولات آن‌ها باشد.

## تاریخچه موزه آثار باستانی لایدن<sup>۱</sup>

در سال ۱۸۱۸ م، «ویلم» اول، یکی از پادشاهان قرن نوزدهم هلند، بنیان‌گذار یکی از اولین موزه‌های ملی این کشور شد. در آن زمان، در آن زمان مردم نسبت به تمدن‌های گذشته کنج‌کاوی را آغاز کرده بودند. هر روز تعداد بیش‌تری از شهروندان پی به این نکته می‌بردند که نمایش دادن آثار و گنجینه‌های فرهنگی و هنری و حفظ آن‌ها برای آیندگان بسیار مهم و حیاتی است. پی‌آمد این تفکر و علاقه، ایجاد و تاسیس موزه‌هایی در هلند، به مانند دیگر کشورهای اروپایی شد. بنابراین در این مهم از جوانی به نام «کاسپر روونس»<sup>۲</sup>، به‌عنوان اولین کارگردان و مدیر هنری «ریکس میوزیوم» استفاده شد. وی مردی بسیار علاقمند و مشتاق و اولین شخصی بود که در هلند حفاری‌های حرفه‌ای باستان‌شناسی را سازماندهی و مدیریت کرد. متأسفانه این پیش‌تاز باستان‌شناسی حرفه‌ای هلند در سال ۱۸۳۵ م، به‌صورت ناگهانی از دنیا رفت. با وجود زندگی کوتاه‌ش توانست به مقدار قابل توجهی، این مجموعه موزه‌ای را گسترش دهد؛ به‌ویژه آن‌که مأموران و کارشناسان هنری را به خارج از کشور برای جستجو و کاوش آثار و اشیاء باستانی فرستاده بود. تا ۱۸۳۰ م، این موزه توانست سرمایه فراوان دولتی را به خود اختصاص دهد، اما

1. Rijksmuseum Van Oud Heden.

2. Caspar Reuvenis

بعدها به دلایل سیاسی این امکان از بین رفت. در طی سال‌های پیش‌رو پس از تاسیس موزه، تعداد زیادی آثار از یونان و مصر باستان به این مجموعه اضافه شد. این دو تمدن، معمولاً به‌عنوان با اهمیت‌ترین و جالب‌ترین فرهنگ‌های روزگار باستان مطرح شده بودند. پس از ۱۸۳۰ م، موزه به‌طور عمده به واسطه هدایا، پیشکشی‌ها و موارثی که اهداء می‌شدند، رشد و گسترش یافت و به تدریج فرهنگ‌های متعلق به خاور نزدیک نیز، به این مجموعه اضافه شدند. گسترش این موزه و مجموعه در حال حاضر، به‌طور عمده از طریق اهداء (مانند معبد مصر در سالن مرکزی که هدیه‌ای از طرف دولت مصر است)، یا ارث و یا خرید مستقیم اتفاق می‌افتد. در سال ۱۹۷۱ م، هم‌کاری با دانشگاه لایدن به پایان رسید و ارتباطات مابین موزه و دولت ملی بیش‌تر و رودرتر شد؛ در واقع دولت، مالکیت این مجموعه را داراست. در حال حاضر، مجموعه موزه آثار باستانی لایدن، بیش از ۸۰۰۰۰ (هشتاد هزار) شیء و اثر را شامل می‌شود و آغاز این گردهم آمدن آثار از ۱۵۰ عدد مجسمه و تندیس یونانی و رومی بوده است که به‌عنوان میراث تاریخی در سال ۱۷۴۴ م. از دانشگاه لایدن هدیه گرفته شده بودند (www.rmo.nl).

### نگرشی به پیکرک‌های اشکانی

با آغاز دوره اشکانی، بار دیگر نمایش پیکرک‌های مادینه شروع شد. بیش‌تر پیکرک‌های موجود یا از بین‌النهرین وارد شده (به‌ویژه سلوکیه) و یا به تقلید از آنجا ساخته شده‌اند (دیمز، ۱۳۸۸: ۸۵). موادی که در ساخت این پیکرک‌ها به کار رفته عبارتند از: سفال، سنگ مرمر (آلابستر)، عاج و استخوان. بیش‌تر این پیکره‌های زنانه، معمولاً برهنه و قسمت‌های جنسیت آن‌ها، با تأکید خاصی نشان داده شده است. وجود این حجم زیاد از پیکرک زنان، مباحث مختلفی را برانگیخته است. ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین این بحث‌ها مربوط به مقدس بودن پیکرک‌ها است. همواره در این رابطه دو ویژگی مورد توجه قرار گرفته: اول، تأکید بر عناصر جنسیتی و دیگری زاینده بودن زن است. نتیجه قابل قبول در این نوع پیکره‌ها، این بوده که این آثار نشان‌گر الهه‌های حاصل‌خیزی می‌باشند. خدای زمین و الهه مادر، شخصیت‌هایی هستند که آیین پرستش آن‌ها در سطح وسیعی گسترش یافته است. عنصر جدید در این دوره تجسم زنان در سنگ مرمرنماست؛ به‌گونه‌ای که با آرنج چپ روی یک تخت یا راحتی لمیده و دست راست آن‌ها بر روی ران قرار دارد (Von der osten, 1956: 93). این حالت دست‌ها به یقین از صحنه‌های یونانی به عاریت گرفته شده است (دیمز، ۱۳۸۸: ۸۵). به نظر می‌رسد این زنان لباس بسیار نازک و بدن‌نما به تن دارند. بنابه گفته «فن در استن» این بانوان لمیده نشان دهنده الهه آنهاست هستند. از آنجا که هیچ‌یک از این نمونه‌ها کتیبه ندارند، بنابراین هیچ مدرکی که این عقیده را اثبات کند، وجود ندارد و به همین دلیل ترجیح داده شده، فقط از این نظریه یاد گردد، بی‌آن‌که آن پذیرفته گردد (دیمز، ۱۳۸۸: ۸۶)، (تصویر ۱۳).

سابقه نمایش زنان و مردان را در حالت لمیده یا استراحت کردن، می‌توان در نقش برجسته صحنه ضیافتی از «آشوربانی پال» که پس از پیروزی بر «تئومان» پادشاه ایلامی به‌صورت لمیده در کنار همسرش (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۲۴) و هم‌چنین



▲ تصویر ۱: نوازندگان از نی-مرخ و از روبه‌رو (نگارندگان، ۱۳۹۲).

نقش برجسته تدفینی از «داسکلیوم» متعلق به قرن ۵ ق.م، جستجو کرد. در این نقش برجسته مرد ریش‌داری در حالت لمیده نشان داده شده، او بر روی دو بالش با دست چپ تکیه داده است و در کنار او زنی نشسته می‌باشد (Irene, 1983: 57). نقش افراد و یا پیکره در حالت لمیده از مناطق مختلف تحت نفوذ پارت‌ها به دست آمده است. در تنگ سروک، نقوش برجسته متعلق به حاکمان الیمایی با حالت لمیده به دست آمده و در خارج از ایران به‌ویژه در پالمیر بر دیواره گورها نقوش متعددی از این سبک کنده شده است (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۵۴). تداوم لمیده نقش کردن افراد را، می‌توان در دوره ساسانی نیز، دنبال کرد. چنین به نظر می‌رسد که نقش لمیده، با آن‌که در هنر هخامنشی ریشه دارد و نمونه‌هایی از آن در منطقه «ارگیلی» یافت شده است؛ ولی در دوره پارت متداول گردیده و شاید بتوان آن‌را یکی از ویژگی‌های هنر پارت، آن‌هم در اواخر این دوره دانست (اواخر قرن ۲، اوایل قرن ۳ م). با توجه به کثرت این نوع پیکره‌ها، به‌ویژه در بابل و اوروک (وارکا) به نظر می‌رسد، ساخت آن‌ها بیش‌تر در این مناطق رایج بوده است و به علت کثرت تولید اغلب از کیفیت پایین در ساخت، برخوردار می‌باشند. احتمالاً ساخت این پیکره‌ها در مناطق ذکر شده، با اهداف مذهبی صورت می‌گرفته است و در مناطق دیگر به‌ویژه در پالمیر و ایران علاوه‌بر حفظ مذهبی بودن آن‌ها، بیش‌تر جنبه تشریفاتی پیدا کرده است (رحیمی‌فر، ۱۳۷۶: ۱۸۹). رواج ساخت تندیس‌های کوچک که اغلب برهنه و در حال نگاه‌داشتن سینه‌های خود بوده، یا به پهلو دراز کشیده است، از مشخصات دوره اشکانی می‌باشد. هزاران تندیس برجای مانده نشان می‌دهد که آنها را از توجه توده‌های وسیع مردم برخوردار بوده است (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). پرداخت پیکر خوش اندام آنها را، در آن سوی زیبایی، در اوستا، برداشت دل‌نشینی از آفرینش انسان به‌خوش‌هنجارترین پیکر ممکن است (آفرینش اندام مطلوب به نشان کمال مطلوب است). از همین روی هزاران تندیس که از آنها به دست آمده، قابل توجیه است، دریغ که از جزئیات کار بی‌خبریم. تنها کم‌پها و ساده بودن برخی از تندیس‌ها به‌صورت سنجاق یا نقش آینه دستی نشان می‌دهد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۸۳-۴) که خریداران آن‌ها می‌توانند



▲ تصویر ۲: نوازندگان (2013/31/08/12:02) (www.rmo.nl)، (نگارندگان، ۱۳۹۲).





▲ تصویر ۳: نوازندگان (۰۲/۰۸/۳۱/۲۰۱۳): (www.rmo.nl ۲۴)، (نگارندگان، ۱۳۹۲).

مردم کم درآمد نیز، بوده باشند (همان: ۱۹۲). در این زمان صحنه‌های جنسی، پرستش‌گران مادینه، مادر یا اعضای خانواده، جملگی از موضوعات شمایل‌نگاری حذف شد. نوع لباس‌ها از یک محوطه به محوطه دیگر، فرق می‌کند؛ ولی همیشه از پیراهن‌ها و ردهای یونانی (خیتون و هیماتیون) تأثیر پذیرفته است. آرایش موی زنان اشکانی، گاه یونانی و همراه با یک شینیون پیچیده است و گاه به سنت هخامنشی به سبک پسرانه است. موی بعضی از پیکرک‌های برهنه بافته شده تا چنان که در دوره ایلامی مرسوم بود، به شکل دستار درآید (دیمز، ۱۳۸۸: ۱۰۹). در ادامه، این نوشتار به بررسی تعدادی از پیکرک‌های انسانی اشکانی که در موزه آثار باستانی لایدن نگهداری می‌شوند، پرداخته خواهد شد.

### پیکرک‌های انسانی اشکانی در موزه آثار باستانی لایدن

#### پیکرک‌های نوازنده

این مجموعه شامل ۶ پیکرک سفالی که در حال نواختن سازی هستند و تنها یک عدد از آن‌ها (تصویر ۶) مرد است. سبک پرداخت این پیکرک‌ها به جز یک عدد (تصویر ۵) که مسبک و انتزاعی است، بقیه واقع‌گرایانه و طبیعت‌گرا می‌باشند. این آثار به نوعی راوی فعالیت‌های روزمره زنان در دوره اشکانی بوده و جزو معدود آثار این دوره می‌باشند که نوازندگان زن آن دوران را به نمایش می‌گذارند. نخستین نمونه از این مجموعه (تصویر ۱)، دو نوازنده زن را نمایش می‌دهد که در کنار هم ایستاده و پیکرک واحدی را تشکیل داده‌اند. این اثر سفالی بوده و از ایران یافت شده است. بانوی سمت راست، یک فلوت دولبه می‌نوازد و ساز یا شیء در دست زن سمت چپ، به درستی قابل تشخیص نیست؛ شاید نوعی ساز کوبه‌ای باشد. هر دو لباس‌های بلند چین‌داری پوشیده‌اند. مدل لباس و موی هر دو یکی است؛ موها کوتاه، ولی با آرایش و تزئین کامل و با دقت ترسیم شده‌اند. پیشانی‌بند یا سربندی نیز، بر سر دارند که به نظر می‌آید از دایره‌های متصل به هم تشکیل یافته‌اند. صورت هر دو شاد و با لبخند ترسیم شده و لبان زن سمت چپ، مقداری بازتر است؛ شاید تداعی‌کننده یک آوازخوان باشد. لازم به ذکر است که نمایش زنانی که مشغول نواختن سازهای بادی هستند، فقط در طول دوره اشکانی و ساسانی ظاهر می‌شود (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۱).

تصاویر ۲، ۳ و ۴ نیز، به مانند پیکرک سفالی قبلی زنان نوازنده فلوت را نمایش می‌دهند. تصویر ۲، دارای بلندی ۶/۶ سانتی‌متر، عرض آن ۴/۳ سانتی‌متر و محل کشف آن (احتمالاً ایران ذکر شده و بخش بزرگی از پایین اثر از بین رفته است. در این پیکرک، هر دو نوازنده سربندهای بزرگی که در قسمت جلوی آن‌ها مقداری برجسته‌تر است، بر سر دارند و آرایش موی سر از زیر آن اندکی مشخص است و خطوط صورت بسیار محو و از بین رفته‌اند. در دستان نوازنده سمت چپ (همانند اثر شماره ۱) شیء قرار دارد که هویت آن قابل تشخیص نمی‌باشد و شاید نوعی ساز کوبه‌ای باشد و نوازنده سمت راستی نیز، در حالی که فلوت را با هر دو دستانش نگه‌داشته ترسیم شده است. تصویر ۳ نیز، پیکرک سفالی چسبیده بهم زنان نوازنده را نشان می‌دهد که به روش قالبی ساخته شده و پشت آن مسطح است. بلندی آن ۱۶/۹ سانتی‌متر، عرض ۷/۵ سانتی‌متر و محل کشف آن احتمالاً



▲ تصویر ۴: نوازنده زن، (نگارندگان، ۱۳۹۲).

عراق ذکر شده است. این اثر نیز، مانند نمونه‌های مشابه خود، نوازنده سمت راست، در حال نواختن فلوت می‌باشد. هر دو زن لباس بلندی بر تن دارند که بدون نشان دادن خطوط و چین و چروک‌های پارچه کار شده است. سربندی نیز، بر سر و موی سر هر دو کوتاه و تا زیر گوش‌ها نشان داده شده‌اند. به‌طور کلی این اثر دارای خطوط کم عمقی است و بیش‌تر مسطح به‌نظر می‌آید.

نمونه چهارم (تصویر ۴)، پلاک سفالی (پیکرک) که زنی را در حال نواختن فلوت دو لبه‌ای نمایش می‌دهد، به بلندی ۱۲/۷ سانتی‌متر و محل کشف آن ایران ذکر شده است. این اثر لباس بلند و چین‌داری بر تن دارد که به‌نظر می‌رسد بر شانه چپ جمع شده است. لباس این زن نیز، کاملاً از گونه پوشش زنان پارتنی می‌باشد، یعنی لباسی بلندتر، که تا پایین پا ادامه دارد، در زیر پوشیده و شال یا چادری که خود را در آن پیچیده بر روی آن است و چین و چروک‌های لباس با خطوط و برش‌های عمودی و افقی نشان داده شده‌اند. سربند آن به شیوه پارتنی و شال بلندی نیز، بر روی آن انداخته شده و انگشتان هر دو دست زن بر روی ساز ترسیم شده‌اند.

نمونه دیگر از نوازندگان، (تصویر ۵)، زنی برهنه را نشان می‌دهد که در دست چپ خود دایره‌ای را نگاه‌داشته و با دست راست بر روی آن ضربه می‌زند. این اثر به‌لحاظ سبک کار با دیگر پیکرک‌های نوازنده متفاوت و به نوعی ساده‌تر و انتزاعی‌تر پرداخت شده است. در این پیکرک تأکید بر اندام‌های جنسی مشاهده می‌گردد و در صورت نیز، چشم‌ها بیش از اندازه درشت و از حدقه بیرون زده تصویر شده‌اند. جزئیات دیگر، چهره نیز، خوب و واضح نشان داده نشده؛ ولی با این وجود آرایش موی و سربند پارتنی پیکرک به وضوح قابل تشخیص است. پیکرک گردنبندی بر گردن و شال یا چادری بر سر دارد که تمام پشت بدن پوشانده و تا پایین پاها ادامه دارد. این اثر نیز، به روش قالبی و از جنس سفال و به رنگ نخودی بوده و شبیه به نمونه‌های مشابه خود در دوره ایلامی (سوکل‌مخ‌ها) است (ر.ک: (Spycket, 1960: 68, fig: 341-731).

آخرین نمونه از این مجموعه (تصویر ۶)، متعلق به یک مرد عود نواز سفالی است که در نوع خود بسیار جالب توجه می‌باشد، به بلندی ۱۹,۳ سانتی‌متر، عرض ۹ سانتی‌متر و احتمالاً از ایران کشف شده است. این پیکرک به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز، مردی ایستاده را به تصویر می‌کشد که در حال نواختن ساز عود است. پاها در حال حاضر، سست هستند و با بالاتنه فرمی متفاوت از هم دارند که در دوران باستان با استفاده از یک ریسمان باریک به پایین بدن متصل می‌شده‌اند و این‌گونه ساخت حالتی غیرطبیعی در بیننده القاء می‌کند. این نوازنده عود اشکانی، از بهترین نمونه‌های هنر اشکانی به‌شمار می‌رود و به مانند بسیاری دیگر از پیکرک‌های این دوره، پاها و بقیه بدن در قالب‌های جداگانه تولید و سپس به هم‌دیگر متصل شده‌اند. در پشت گردن پیکرک سوراخی برای اتصال موجود می‌باشد، ظاهراً به این دلیل که مانند یک عروسک بر روی دیوار آویزان می‌شده است. پشت اثر سطحی صاف و خشن دارد که نشان‌دهنده آن است که اثر تنها برای آن ساخته شده که از روبه‌رو دیده شود. ویژگی هنر اشکانی را در نمای جلوی پیکرک به‌خوبی، می‌توان دید لباس کاملاً دارای خصوصیت پارتنی



▲ تصویر ۵: نوازنده زن (نگارندگان، ۱۳۹۲).



▲ تصویر ۶: عود نواز (۱۱/۲۰/۱۸/۱۱/۵۹:۱، www.r.mo.nl)، (نگارندگان، ۱۳۹۲).



▲ تصویر ۷: مادر و کودک (نگارندگان، ۱۳۹۲).

است، شلوار گشاد و پیلهدار پارتی و تونیک‌کی کوتاه و یقه‌باز بر روی آن، همچنین پیکرک تاج گلی سر بر در سر، گوشواره به گوش و کفشی به پا دارد.

### مادر و کودک

این پیکرک (تصویر ۷)، از جنس سفال و به رنگ نخودی بوده و تنها نمونه از میان پیکرک‌های زنانه، مادری را نشان داده که کودکی را در آغوش چپش گرفته و دست راست خود را بر روی بدن کودک قرار داده است. مادر و کودک هر دو با چشمانی درشت به روبه‌رو خیره شده‌اند. پرداخت جزئیات و تناسب این اثر مقداری شتاب‌زدگی و خام‌دستی مشاهده می‌شود. مادر، شال یا چادری بر سر دارد که همه‌ی پشت بدن را پوشانده و تا پایین پاها امتداد دارد. آرایش موها، کاملاً اشکانی است، رشته یا حلقه‌هایی اطراف صورت و از طرفین نیز، روی گوش‌ها را پوشانیده‌اند. برجستگی کوچکی بر روی سمت راست بدن مادر دیده می‌شود که احتمالاً نشان‌دهنده پستان آن است. در پایین لباس آن نیز، برجستگی‌های بسیار کوچکی چسبانده شده‌اند که شاید نشانی از بافت یا طرح پارچه لباس وی بوده است. در پرداخت بدن کودک نیز، تنها طرح کلی آن یعنی سر و طرف چپ بدن کار شده و پای وی مقداری خم ترسیم شده است. پشت اثر به دقت جلوی آن پرداخت نشده و به نظر می‌آید که تنها برای آن ساخته شده است که از روبه‌رو به آن نگاه کنند.

### ایزد بانوان برهنه

این گروه شامل تصاویر ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است. پیکرک‌های ۸، ۹ و ۱۰، تقریباً به یک اندازه هستند و به‌غیر از شماره ۹، که مرمین است، بقیه سفالی و بسیار واقع‌گرا می‌باشند. این آثار از جنوب عراق یافت شده‌اند و شبیه به نمونه‌های هستند که در «بریتیش میوزیوم» نگهداری می‌شوند (رک: ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۹۶-۱۹۵). پیکرک‌های شماره ۸، ۹ و ۱۰، هر سه به حالت ایستاده، پاها را به‌هم چسبانده و دارای کمربند باریک و لگن و ران‌هایی پهن می‌باشند. سینه‌ها برجسته و شانها محل اتصال بازوها هستند که در حال حاضر شکسته و در اصل دست‌ها مفصل‌دار و قابل حرکت بوده‌اند. دست‌های پیکرک شماره ۸، از قسمت بازوان شکسته و از بین رفته؛ همچنین این پیکرک شنیون یا سربند بلند و پرکاری بر سر و گوشواره‌های مدوری برگوش دارد و نشانه‌هایی از رنگ هنوز بر روی آن قابل رویت است.

پیکرک مرمی (تصویر ۹)، احتمالاً مانند بسیاری دیگر از پیکرک‌های زنانه که از بین‌النهرین یافت شده‌اند، دارای چشمانی مرصع‌کاری شده با جواهر و همچنین یک لایه گچ یا قیر به‌عنوان کلاه‌گیس بوده است که در حال حاضر موجود نمی‌باشند. قسمت پایین دست‌ها و پاها شکسته و از بین رفته‌اند. پیکرک سفالی دیگر (تصویر ۱۰) نیز، دارای موهای موج‌دار کوتاهی است که تا پایین گوش‌ها می‌رسند و سربند باریک یا تل سری که قسمت مرکزی آن برجسته است را نیز، بر سر دارد. دست‌ها از قسمت بازوان شکسته و از بین رفته‌اند. بر روی مچ پاها نیز، دو پابند تزئینی موجود است. نمونه دیگر از این مجموعه (تصویر ۱۱) که دارای



▲ تصویر ۸: ایزد بانو (نگارندگان، ۱۳۹۲).



سبکی مابین واقع‌گرایی و انتزاعی بوده و به روش قالب‌گیری ساخته شده است. پشت آن صاف و حالت فرارگیری دست‌های پیکرک مهم است. به گونه‌ای که دست راست بر پایین پستان‌ها و دست چپ بر روی شرم‌گاه قرار گرفته که به این لحاظ، قابل قیاس با پیکرک‌های ساسانی یافت شده از «حاجی‌آباد» فارس است (ر.ک: Azarnoush, 1994: p.125, fig.120). این پیکرک، گردن‌بند پهنی بر گردن دارد و بر روی مچ دست‌ها، مچ پاها و بازوها سه ردیف خط تصویر شده که نشان‌دهنده‌ی زیورآلات پیکرک است. موهای آن کوتاه و تا زیر گوش‌ها امتداد دارد و سربندی با دو برجستگی گوی مانند، در قسمت جلوی آن نیز، بر سر دارد. خطوط صورت از بین رفته و جزئیات آن دیده نمی‌شود.

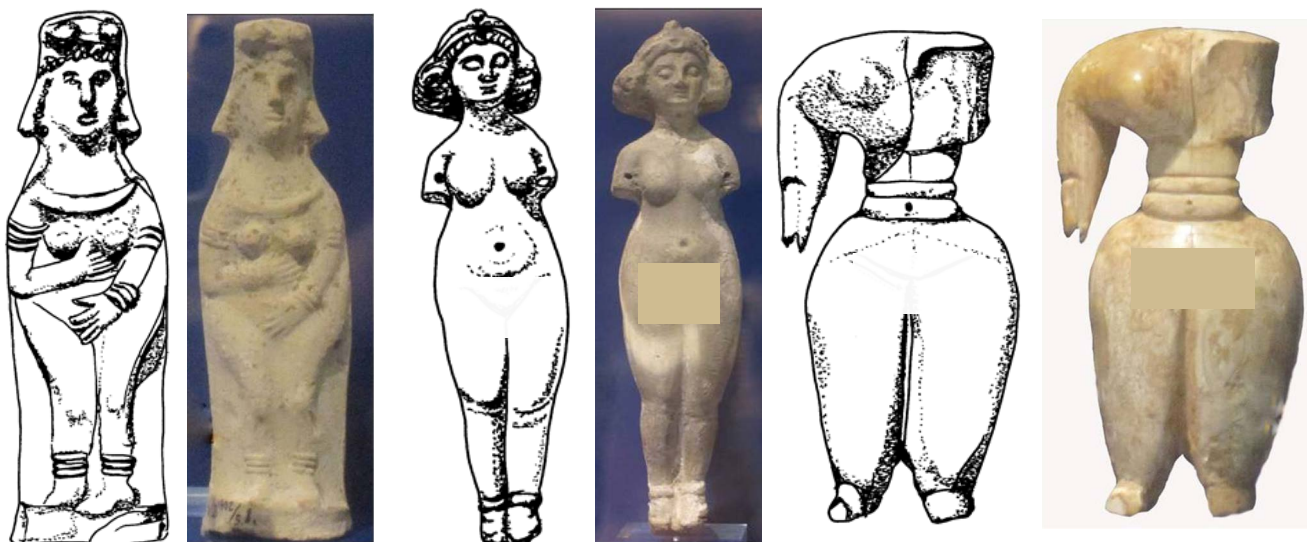
تنها پیکرک استخوانی در این مجموعه (تصویر ۱۲) وجود دارد که بر خلاف پیکرک‌های پیشین بسیار ساده و انتزاعی است. این اثر شبیه به گروه اول پیکرک‌های استخوانی است که از محوطه «شهر صنعتگران» در شوش به دست آمده‌اند. چنین پیکرک‌هایی به همراه نمونه‌هایی که از سنگ مرمر ساخته شده‌اند، در سلوکیه هم پیدا شده است (دیمز، ۱۳۸۸: ۸۶). نمونه‌های شوش بین ۲۰۰ ق.م. تا ۲۰۰ م. تاریخ‌گذاری و پیکرک‌های استوانه‌ای نامیده شده‌اند (Bouch- arlat & Haerincq, 1994: p.188). این پیکرک بی سر، با خطوطی بر روی یک قطعه استخوان به وجود آمده است. کمر به نسبت بقیه اجزاء بدن، بسیار باریک تصویر شده و لگن و پاها بسیار پهن و درشت نشان داده شده‌اند. در این جا نیز، برای نشان دادن مثلث شرم‌گاهی، شیار بارداری و ناف، از شیارها یا نقش کنده استفاده شده است. ناحیه قسمت بازو و دست چپ اثر از بین رفته و سینه راست کاملاً برجسته می‌باشد.



▲ تصویر ۹: ایزد بانو (نگارندگان، ۱۳۹۲).

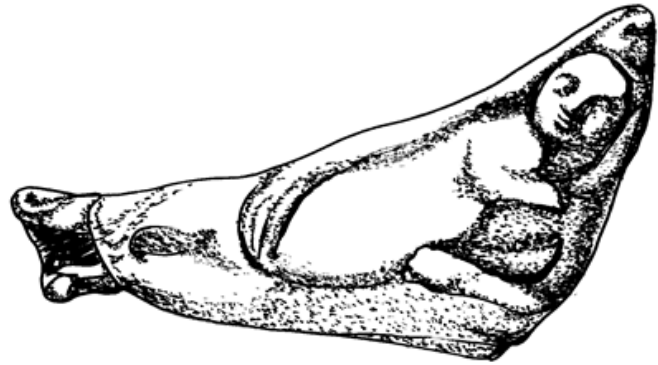
### بانوی لمیده

تنها پیکرک لمیده این مجموعه (تصویر ۱۳)، بر روی بازوی چپ خود تکیه زده و جنس آن سفالی و به رنگ قرمز روشن می‌باشد. پیکرک دارای لباس بلند، کلاه



▲ تصویر ۱۰ تا ۱۲: ایزد بانو (نگارندگان، ۱۳۹۲).





▲ تصویر ۱۳: بانوی لمیده (نگارندگان، ۱۳۹۲).

یا سربند نوک‌تیز و شال یا چادری که بر روی لباس انداخته که همه پشت بدن تا پایین پاها را پوشانده است. همان‌طور که در بخش معرفی پیکرک‌های اشکانی اشاره شد، عنصر جدید در پیکرک سازی دوره اشکانی، تجسم زنان لمیده است که با آرنج چپ روی یک تخت یا راحتی لمیده و دست راست آن‌ها بر روی ران و شکم قرار دارد. این اثر از جنوب عراق یافت شده و مشابه نمونه‌های دیگر به‌دست آمده از این منطقه است (ر.ک: Karvonen, 1995: PL.31, fig 180).



### نیم‌تنه‌ها

گروه دیگر آثار موزه لایدن، نیم‌تنه‌ها هستند که شامل ۴ پیکرک سفالی، مرمری، استخوانی می‌باشند. تصویر ۱۴، تنها نیم‌تنه استخوانی مربوط به یک زن در این مجموعه می‌باشد که شبیه گروه سوم از پیکرک‌های استخوانی شوش است. این گروه، بین سده اول و دوم م. تاریخ‌گذاری شده و متشکل از پیکرک‌هایی است که از صفحات صیقلی استخوانی ساخته شده‌اند و روی سر آن‌ها یک دستار با خطوط حک شده وجود دارد، احتمال دارد که این دستار یک طره گیس درهم‌باف نیز، باشد که به دور سر پیچانده شده تا به شکل دستار درآید (Boucharlat & Haer- inck, 1994: p.194). این اثر، مشابه نمونه‌های دیگر یافت شده از شوش است که در موزه لوور نگه‌داری می‌شوند (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۷۴). در این پیکرک حدقه چشم‌ها بسیار درشت، دهان کوچک و برجستگی گردن‌بندی نیز، بر روی گردن آن قابل مشاهده است. تصویر ۱۵ متعلق به نیم‌تنه ساده شده یک مرد با ریش بلند است. پایین اثر از بین رفته و از اجزاء صورت تنها برجستگی بینی و ابروان و گودی حدقه چشم‌ها دیده می‌شوند. این پیکرک عمامه یا پوشش سر بزرگی بر سر دارد که رد پارچه و برجستگی گره آن مشخص است. به نظر می‌رسد که سربند بلند بوده و امتداد آن پشت اثر را کاملاً پوشش می‌داده است. پیکرک از سر به پایین ساده و بدون هیچ برجستگی یا خطی است.



▲ تصویر ۱۴: نیم‌تنه زن (نگارندگان، ۱۳۹۲).

سومین نمونه از این مجموعه (تصویر ۱۶)، نیم‌تنه مرمیرین است که از ایران کشف شده و به بلندی ۳۴٫۸ سانتی‌متر و عرض ۲۵٫۵ سانتی‌متر و ضخامت: ۱۶ سانتی‌متر می‌باشد. مجسمه، نیم‌تنه مردی با ریشی انبوه و موج را نشان می‌دهد و کلاه نوک‌تیز آن، دلالت بر اشکانی بودن اثر دارد. نشانه‌های هنر رومی در آن، به‌خوبی هویدا است و مانند بیش‌تر آثار اشکانی، پشت اثر بر خلاف جلوی آن خشن و خام‌دستانه و به نظر ناتمام می‌نمایند و این دلالت بر آن دارد

که تنها شیء از روبه‌رو قابل توجه و دیدن بوده است (Van den Boorn, 1983: 105). سر و گردن، مقداری متمایل به سمت چپ نشان داده شده‌اند. این اثر با وجود اندازه کوچک آن، در پرداخت اجزاء چهره و حالت موی سر، ریش و طرح چین و چروک‌های لباس بسیار با دقت و ظرافت کار شده و به نظر می‌رسد که شنلی بر تن دارد و با خطوط موج و با ظرافت از شانه راست بر روی شانه چپ انداخته شده است. ویژگی بارز این اثر زیبا، هماهنگی و انسجام آن در نشان دادن خطوط چهره با موی سر، ریش، سیل و خط‌های پارچه لباس است. موها از زیر کلاه بر روی پیشانی آویزان و در طرفین سر امتداد یافته که این عمل جهت هماهنگی خطوط ریش در چهره می‌باشد. به‌طور کلی این اثر، پرداختی کاملاً واقع‌گرایانه و جزئیات دقیق و کامل دارد.



▲ تصویر ۱۵: نیم تنه (نگارندگان، ۱۳۹۲).

چهارمین نمونه و آخرین آن (تصویر ۱۷)، متعلق به نیم‌تنه مرد سفالی قرمز رنگ می‌باشد که (احتمالاً) از ایران کشف شده و بلندی آن ۱۰٫۹ سانتی‌متر است. این پیکرک، پیراهنی پلیسه‌دار و بلند، کمربند منگوله‌دار و شلوار گشاد به سبک پارسی بر تن دارد. شنل بلندی بر روی لباس انداخته و در دست راست آن در جلوی قفسه سینه، احتمالاً یک گل یا گلدان و دست چپ آن به همراه یک شیء (هویت آن قابل تشخیص نمی‌باشد) به سمت پایین آویزان است. این پیکرک فاقد سر و در قسمت پایین پاهای آن شکسته است. ویژگی بارز این پیکرک، نشان دادن فرم پارچه و پلیسه‌های لباس آن با خطوط عمودی و افقی است. حالت پارچه در آستین‌ها، شلوار و پایین تونیک به‌صورت خطوط افقی و در قسمت تنه پیراهن خطوط به شکل عمودی ترسیم شده است. پشت پیکرک به نسبت قسمت جلوی آن ساده‌تر پرداخت شده و به‌طور کلی، سبک کار منعکس‌کننده‌ی نفوذ هنر هلنی می‌باشد.



▲ تصویر ۱۶: www.۱۲:۰۲/۰۸/۳۱/۲۰۱۳ rmo.nl (نگارندگان، ۱۳۹۲).

### جنگجو با سپر

تصویر ۱۸، مربوط به پیکرک سربازی می‌باشد که در دست راست خود سپری را نگه‌داشته است. این پیکرک سفالی، به رنگ بژ و به بلندی ۱۶ سانتی‌متر و عرض ۷ سانتی‌متر، از ترکیه یافت شده است. این اثر، دارای پاهایی شل و در حال حرکت و آویزانند. پاهای همانند اثر ۶، با ریسمانی باریک به تنه پیکرک متصل می‌شوند و فرم پاها با بالاتنه هماهنگی ندارد. این پیکرک جنگجو، تونیک اشکانی بر تن دارد. خطوط چهره خیلی واضح نیستند، ولی موها بر روی پیشانی و اطراف صورت و گوش‌ها مشخص هستند. دست راست بدون نشان دادن حالت خاصی در امتداد بدن آویزان و پشت پیکرک نیز، بسیار ساده کار شده است.

### نتیجه‌گیری

بی‌شک، یکی از جالب‌ترین و عجیب‌ترین یافته‌های باستان‌شناسان در ایران و بسیاری از مناطق دیگر جهان، پیکرک‌های انسانی است که از قدیمی‌ترین زمان‌ها و هزاره‌های پیشین شروع و تا دوره‌های تاریخی، ادامه یافته است. از آن جهت که تعداد پیکرک‌های زنانه در قیاس با پیکرک‌های مردانه و حیوانات بیش‌تر است، از قرن نوزدهم م، توجه محققان بسیاری به این موضوع جلب شده

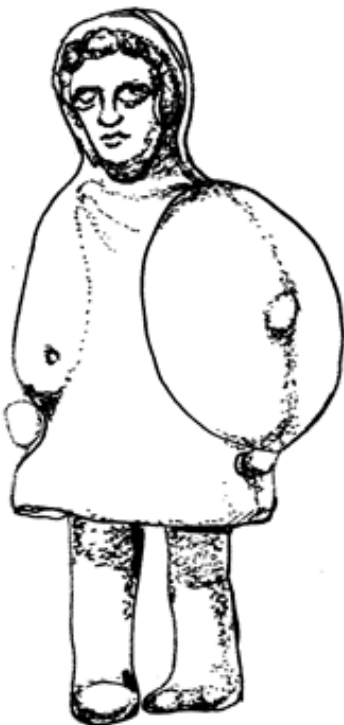


▲ تصویر ۱۷: www.۱۲:۰۲/۰۸/۳۱/۲۰۱۳ rmo.nl (نگارندگان، ۱۳۹۲).



و مطالعات دقیقی درباره‌ی آن‌ها انجام داده‌اند؛ اما هنوز پژوهشگران در این زمینه به نظریات مشترکی دست نیافته‌اند. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که جنس بیش‌تر این پیکرک‌ها سفالی و از مناطقی چون ایران (شوش)، سلوکیه، آشور و ترکیه به‌دست آمده‌اند. مجموعه پیکرک‌های موزه لایدن شامل ۱۳ عدد پیکرک زن و ۵ عدد پیکرک مرد می‌باشند. این آثار، به سبک‌های مختلف از واقع‌گرا تا انتزاعی و ساده ساخته و تعدادی نیز، در حد فاصل این دو گونه قرار دارند. پرداخت تعدادی از آن‌ها سادگی، خامی و عدم توجه کافی به سر، دست یا پاها نمایان و نشانه‌های از لایه رنگ بر روی این آثار مشاهده می‌شود. در برخی آثار، دست‌ها و پاها آزادانه با اتصال ریسمانی به بدن در حال حرکت بوده که دلیل آن هنوز بر ما روشن نیست، شاید بتوان گفت که این پیکرک‌ها احتمالاً به‌عنوان اسباب‌بازی و یا در مراسم‌های خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. تمامی پیکرک‌ها، به‌صورت ایستاده و تنها در یک مورد حالت لمبیده دیده و گاهی با لباس و برهنه هستند که احتمالاً، نقشی الهی، در مراسمی آیینی و معنوی یا تشریفاتی بازی می‌کرده‌اند. نکته بارز و قابل توجه، وجود سازهای موسیقی بسیار در بین آن‌هاست. اساساً چهارگونه آلات موسیقی که عبارتند از: فلوت (۴ مورد)، دایره و ساز زهی (نوازنده‌ی مرد) دیده می‌شود.

از جالب‌ترین پیکرک‌های این موزه، نوازندگان زن با سازهای بادی هستند؛ که سه مورد از آن‌ها پیکرک‌هایی به‌هم چسبیده‌اند (دوقلو) که در حال نواختن سازی شبیه به فلوت هستند، این امر می‌تواند بازگو کننده‌ی فعالیت گروهی نوازندگان باشد. با مقایسه این آثار با نمونه‌های مشابه دیگر، می‌توان دریافت که نمایش زنان در حال نواختن این نوع ساز، فقط در طول دوره‌ی اشکانی و سپس ساسانی مورد توجه قرار گرفته است. پیکرک‌های زنان، دارای سربند، پوشش سر و آرایش مویی پر تکلف و باظرافت هستند و به‌جز یک مورد (تصویر ۹) که احتمالاً کلاه‌گیسی از جنس قیر بر سر داشته است. در بعضی از نمونه‌ها (تصویر ۱۶) و پیکرک‌های عریان به‌خوبی، می‌توان تأثیر یونانی مآبی و نیمه شرقی گرایانه را مشاهده کرد. در مورد پیکرک‌های برهنه بیش‌تر محققین در گذشته، احتمال ایزد بانو بودن آن‌ها به‌خصوص آن‌ها را داده‌اند، اما به نظر می‌رسد متحرک بودن دست‌ها و پاها، احتمال رقصنده بودن آن‌ها را در گروه‌های موسیقی، بیش‌تر قوت می‌بخشد. وجود این حجم زیاد از پیکرک زنان مباحث مختلفی را پُرانگیخته است که مهم‌ترین آن‌ها مربوط به مقدس بودن پیکرک‌ها و احتمالاً منسوب بودن آن‌ها به الهه آن‌ها می‌باشد؛ اما توجه خاص اشکانیان به هنر پیکرک‌سازی و توجه زیاد به نوع لباس، پوشش، آرایش، فعالیت آن‌ها (نوازندگان) و تزئینات‌شان، می‌تواند تداعی کننده‌ی حضور زن در رتبه‌های مختلف اجتماعی در این دوران تاریخی باشد و تنها، نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان موضوعات هنری در نظر گرفت؛ بلکه بازتاب‌دهنده واقعیت‌هایی هستند که حضور و نقش زن را در ساختار جامعه در کنار مردان و حتی، نفوذ آن‌ها را در بطن جامعه تأکید می‌کند. با این وجود هنوز به‌درستی، نمی‌توان گفت که کاربرد این نوع پیکرک‌ها چه بوده است.



### کتابنامه

- دیمز، اورلی، ۱۳۸۸، تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام، ترجمه: علی اکبر وحدتی، نشر ماهی.
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۵، هزاره‌های گمشده، جلد ۴، انتشارات توس.
- رحیمی‌فر، مهناز، ۱۳۷۶، تحقیق و مطالعه پیرامون پیکره‌های گلی شوش در دوران تاریخی (به‌ویژه هخامنشی، پارت و ساسانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- ذوالفقاری، سارا، ۱۳۹۱، نگاره زن پارتی بر روی آثار و یافته‌های باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، منتشر نشده
- گربشمن، رومن، ۱۳۵۰، هنر ایران در دوره پارت و ساسانی، ترجمه: بهرام فروشی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، انتشارات سمت.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۰، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد سوم (هنر و معماری)، مرکز نشر دانشگاهی.
- وبسایت موزه لایدن: [www.rmo.nl](http://www.rmo.nl)

- Akkrmans,P.M.M.G. 1991, Archaeologie van het Nabije Oosten. Leiden. blz.93-94
- Azarnoush,M., 1994, The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran, Monografiedi Mesopotamia III, Firenze.
- Boucharlat,R. & E. Haerinck, 1994,"Das Ewig-Weibliche. Figurines os d époque Parthe de Suse",Iranica Antiqua 29, Festschrift k.Schippmann I.pp.185-200.
- Karvonen.k., 1995, The Seleucid and Parthian Terracotta figurines from Babylon.
- Irene,St., 1983, The Anatolian civilizations,2,Turkish Ministry of culture and tourism,Istanbul.
- Mackay.D., 1949, The Jewellery of Palmyra and Its Significance. Iraq, Vol. 11, No. 2 (Autumn, 1949), pp. 160-187.
- Spycket.A. "La deesse Lama". In:Revue d'Assyriologie et d'archeologie orientales. 54.Paris,1960.
- Van den Boorn,G.P.F., 1983,"Oud Iran".leiden.
- Von der osten, H.H., 1956, Die welt der Perser, Stuttgart.